

تفاوت الگوی انسان‌شناسی اسلامی با اومانستی از منظر استاد مطهری در ادراکات اعتباری

علی اصغر ترکاشوند^۱

دکتر عباس گوهری^۲

محسن غروی‌ان^۳

چکیده

اگرچه نظریه «ادراکات اعتباری» ابتکاری نظری است که با رویکرد معرفت‌شناختی تدوین شده است، لیکن در سطح بالاتر نظریه اعتباریات، بسترهای لازم را به منظور ارائه چارچوبی قوی از نظریه پردازی در علوم انسانی، با تبیین فهم بهتر از هویت انسان، مناسبات و روابط اجتماعی بین انسان‌ها، نیازهای آدمی، اغراض و اهداف او فراهم می‌کند. از ضرورت‌های بازتدوین علوم اسلامی، بازشناسی ابعاد و مفاهیم «انسان‌شناسی اسلامی» است، استاد مطهری از منظر ادراکات اعتباری به دنبال شناخت روشن از انسان، پرسش‌ها، نیازها و نیز اهداف و غایات اوست، در این بین قرائت استاد مطهری از نظریه ادراکات اعتباری زمینه لازم را برای بازتدوین «انسان‌شناسی اسلامی» فراهم می‌نماید. این پژوهش با استفاده از روش تحلیل فلسفی- تطبیقی به دنبال پاسخ به این پرسش است که قرائت استاد مطهری از ادراکات اعتباری در زمینه انسان‌شناسی اسلامی چه ویژگی‌هایی دارد که می‌تواند موجب تفاوت الگوی انسان‌شناسی اسلامی از الگوی اومانستی قرار بگیرد؟ در نوشتار حاضر در صددیم با استفاده از مدل تفاوت سطوح بینشی، گرایشی و کنشی به تبیین تفاوت انسان‌شناسی اسلامی از روش اومانستی از منظر ادراکات اعتباری بپردازیم، در متن مقاله حاضر به این نتیجه می‌رسیم که انسان‌شناسی اومانستی با انکار معنویت و نگاه صرفاً مادی به هویت انسان دیدگاهی ناکارآمد و در تقابل جدی با انسان‌شناسی اسلامی است، لذا پاسخ‌گوی نیازهای علوم انسانی اسلامی نیست. دستاورد مقاله حاضر می‌تواند در مرحله اول در فهم و بازشناسی انسان‌شناسی اسلامی و در سطح بالاتر در باز تدوین علوم انسانی اسلامی مفید، مؤثر و راهگشا باشد.

کلید واژه‌ها: معرفت‌شناسی، ادراکات اعتباری، پوزیتیویسم، انسان‌شناسی اسلامی، اومانیسم.

۱. دانشجوی دکترا، گروه فلسفه و کلام اسلامی، واحد یادگار امام خمینی (ره)، شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛
tvrtorkashvand@yahoo.com

۲. دانشیار، گروه فلسفه و کلام اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول).
abb_gohari@gmail.com

۳. استادیار مرکز آموزشی جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران،
info@gharavian.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۹/۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۲

۱. مقدمه

علامه طباطبائی مبحث ادراکات را منشاء معرفت‌شناسی و در خلال مباحث کتاب «اصول فلسفه و روش رئالیسم» بیان نموده است، لذا می‌توان گفت که یکی از دلایل طرح مبحث اعتباریات، مسائل مربوط به معرفت‌شناختی بوده است. از زمانی که علامه طباطبائی نظریه اعتباریاتش را در آثار مختلف مطرح کرد، فهم دقیق و جامعی از نظریه اعتبارات علامه ارائه نشده است. نظریه اعتباریات از ۵ دهه گذشته رشد کرده است و این رشد نیز تکاملی بوده است؛ این نظریه ظرفیت درونی و وجوه مثبت فراوانی داشته و به همین دلیل رشد کرده است؛ عامل دیگر رشد این نظریه، برخورد انتقادی با این نظریه است. اولین کسی که به نقد نظریه ادراکات اعتباری بخصوص از منظر اخلاقی پرداخت، شهید مطهری بود البته ایشان به دنبال تکمیل این نظریه بود. نظریه ادراکات اعتباری آثار گسترده‌ای در علوم مختلف دارد با وجود این بحث بسیار مهم و کلیدی، تاکنون از لحاظ مبانی انسان‌شناختی اخلاقی به نتایج مطلوبی نرسیده است. نویسندگان بر این باور است که تا زمانی که فهم صحیحی از اعتباریات علامه طباطبائی و فهم درستی از انسان‌شناسی اسلامی حاصل نشود نمی‌توانیم به فهم صحیحی از علوم انسانی اسلامی ارائه دهیم. به عبارت ساده‌تر کلید حل و فهم علوم اسلامی جدید از منظر فهم و قرائت درست استاد مطهری از ادراکات اعتباری بخصوص از منظر اخلاقی امکان‌پذیر است. یکی از راه‌های صحت و اعتبار سنجی یک دیدگاه مقایسه تطبیقی با دیدگاه‌های معارض است، لذا به منظور فهم هرچه بهتر علوم انسانی اسلامی نیاز است به بررسی نقاط تمایز بین انسان‌شناسی اسلامی از انسان‌شناسی اومانیستی پردازیم. در مقاله حاضر تلاش می‌نماییم به روش تطبیقی به تبیین تفاوت بین مدل انسان‌شناسی اسلامی از مدل اومانیستی از منظر ادراکات اعتباری پردازیم. این پژوهش که برای اولین مرتبه تدوین یافته - با استفاده از روش تحلیل فلسفی تطبیقی - به دنبال پاسخ به این پرسش است که قرائت استاد مطهری از ادراکات اعتباری در زمینه انسان‌شناسی اسلامی چه ویژگی‌هایی دارد که می‌تواند موجب تفاوت الگوی انسان‌شناسی اسلامی از الگوی انسان‌شناسی اومانیستی قرار گیرد؟ در رابطه با پیشینه بحث مربوط به

تفاوت الگوی انسان‌شناسی اسلامی با اومانیستی از منظر... ۵۹

ادراکات اعتباری می‌توان گفت پیشینه دیدگاه ادراکات اعتباری را می‌توان در دیدگاه شیخ محمد حسین اصفهانی در علم اصول فقه دانست (مطهری، ۱۳۶۴: ۷۱۷). البته علامه طباطبایی نخستین فیلسوف اسلامی است که درباره ادراکات اعتباری به صورت گسترده بحث کرده و نظرات بدیعی ارائه کرده است؛ آثاری نظیر: رساله الانسان فی الدنیا، حاشیه بر کفایه، تفسیر المیزان، نهایه الحکمه، اصول فلسفه و روش رئالیسم و از جمله منابع مهم است، شایان ذکر است. مقاله حاضر به شیوه تحقیق اسنادی با رویکرد تطبیقی انجام شده است. در پژوهش تطبیقی پژوهشگر در صدد است چند پدیده اعم از اندیشه و... را از دیدگاه مختلف نظیر همسانی و ناهمسانی‌ها مورد تطبیق قرار دهد (احمدی، ۱۳۸۹: ۷۸). در انتهای مقاله به منظور درک و فهم بهتر مخاطبان تلاش می‌نماییم با شیوه تطبیقی در قالب نمودارهایی تفاوت انسان‌شناسی اسلامی از اومانیزم را ارائه دهیم.

۱. مفاهیم

در این قسمت تلاش می‌نماییم به تبیین صحیح مفاهیم بپردازیم، مهم‌ترین مفاهیمی که در نوشتار حاضر لازم است مورد بررسی و واکاوی قرار می‌گیرد شامل: ادراک، ادراکات اعتباری و ادراکات حقیقی می‌باشد.

۱-۱. ادراک

علامه طباطبایی متعلق معرفت انسان به موجودی را ادراک آن موجود می‌داند (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۸: ۴۴۳). از نظر ایشان در نتیجه تأثیری که ماده در مغز و سلسله اعصاب برجای می‌گذارد، یک عکس‌العمل مادی در وجود انسان ایجاد می‌شود که با به کار انداختن حاسه پیدا می‌شود و با از کار انداختن حاسه از بین می‌رود که این حالت را ادراک می‌یابیم (همو، ج ۱: ۹۵-۹۶).

۲-۱. ادراکات حقیقی

ادراک حقیقی مستقیماً صورت یک امر خارج از ذهن است. از قبیل تصور انسان، درخت

۶۰ «فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های معرفت‌شناختی»، شماره ۲۸، پائیز و زمستان ۱۴۰۳

و سنگ که در فلسفه «معقولات اولیه» خوانده می‌شود (مطهری، ۱۳۹۵، ج ۶: ۳۱۶). ادراکات حقیقی تابع احتیاجات طبیعی موجودات زنده و مجموع عوامل مخصوص محیط زندگانی وی نیست و با تغییر عوامل محیط و احتیاجات طبیعی تغییر نمی‌کند. ادراکات حقیقی قابل نشوء، ارتقاء و تطور نیست. ادراکات حقیقی، ضروری، دائم و مطلق است (همو: ۳۷۲).

۱-۳. ادراکات اعتباری

کلمه «اعتباری» معمولاً در مقابل کلمه «حقیقی» یا «واقعی» به کار برده می‌شود (مطهری، ۱۳۹۵، ج ۵: ۳۶۲). ادراکات اعتباری تابع عوامل مخصوص محیط و احتیاجات حیاتی طبیعی است و با تغییر آنها تغییر می‌کند. ادراکات اعتباری مسیر ارتقاء، نشوء و تکاملی را طی می‌کند. ادراکات اعتباری غیر ضروری، موقت و نسبی است (همو: ۳۷۱).

۲. مبانی نظری

۲-۱. جایگاه معرفت‌شناختی ادراکات اعتباری

اهمیت معرفت‌شناسی به این است که دستیابی به جهان‌بینی فراگیر و جامع، بر مباحث زیرساختاری معرفتی استوار است (مطهری، ۱۳۶۸: ۱۶-۱۳). دلیل اصلی توجه به ادراکات اعتباری بیشتر معرفت‌شناسانه است. این نظریه، قابلیت و استعداد به کارگیری در زمینه دانش‌های گوناگون را دارد، اما تاکنون ادراکات بیشتر از جنبه فلسفه اخلاق و دانش اجتماعی و دیدگاه روانشناسی فلسفی مورد توجه قرار گرفته است. از آن جهت که چگونگی تولید اعتبارات را بحث می‌کند، روانشناسی فلسفی است، از آن جهت که درباره حُسن و قبح و بایدها و نبایدها بحث می‌کند، با فلسفه اخلاق ارتباط پیدا می‌کند و از آن جهت که نقش برخی اعتبارات را در تداوم و تکون زندگی و اجتماعی بازمی‌نماید، جنبه جامعه‌شناختی دارد (همو، ۱۳۹۵، ج ۶: ۳۸۰).

۲-۲. جایگاه انسان‌شناختی ادراکات اعتباری

طبق نظر صاحب‌نظران هر نظریه‌ای سه گونه نتیجه دارد: آثار عینی (در زندگی فردی و

تفاوت الگوی انسان‌شناسی اسلامی با اومانیستی از منظر... ۶۱

اجتماعی)، لوازم منطقی، و نتایج معرفت‌شناسانه (غفوری‌نژاد، ۱۳۸۹: ۲۶۸). نظریه ادراکات اعتباری می‌تواند به شناخت صحیح از انسان، پرسش‌ها و نیازها و نیز غایات و اهدافش کمک کند و از منظری دیگر زمینه شکل‌گیری زندگی اجتماعی، نظامات جمعی و بنیان‌های اخلاق جمعی و حقوق را شرح دهد (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۲۱۶). مبتنی بر دیدگاه ادراکات اعتباری تشکیل اجتماع از ادراکات اعتباری عمومی قبل از اجتماع است و در انواع انسانی، شامل دست‌یابی به اهدافی نظیر همزیستی بین انسان‌ها، تشکیل شهرها و اجتماعات می‌شود (همو، ج ۲: ۲۶۹).

۲-۳. دیدگاه اومانیسم با رویکرد پوزیتیویستی

اومانیسم^۱ از ابعاد مختلف شاخه‌های متعدد و متفاوتی می‌پذیرد از جمله اومانیسم مبتنی بر جمع‌گرایی، فردگرایی، فلسفی، ادبی، الحادی و دینی (قنبری، ۱۳۸۳: ۴۶-۳۸). ممکن است قرائت‌های مختلفی از دیدگاه اومانیسم مطرح شده باشد، اومانیسم مد نظر نویسنده در مقاله حاضر مبتنی بر اومانیسمی است که قرائتش از نظر معرفت‌شناسی مبتنی بر پوزیتیویسم^۲ و از نظر جهان‌بینی مبتنی بر اصالت بشر، انسان‌محوری، بشر‌محوری یا خودبنیادی مکتبی است (صانع‌پور، ۱۳۷۸: ۲۶-۲۸). طبق این مکتب فکری اگوست کنت پیشنهاد کرد که یک دین انسانی پدید آید که در آن، خدا از تخت به زیر افکنده شود و انسان که وجود اصلی است، جای خدا را بگیرد (براون، ۱۳۸۴: ۱۴۱-۱۴۲). به گمان سارتر، خدایی نیست و بنابراین فرض، نظام یا طرح آفرینش بیهوده است. ... هر انسانی باید در سراسر حیات خود فقط بر خویش متمرکز شود (لوین، ۱۳۷۲: ۳۷۵ - ۳۷۶). این دیدگاه انسان را مدار و محور آفرینش جهان قرار داده و با اصالت دادن به او اصالت دین، خدا یا هر امر غیرانسانی را نفی می‌کند. معنای اعم این اصطلاح و مفهوم عبارت است از هر نظام فلسفی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی یا اخلاقی که هسته مرکزی آن بشر است. اومانیسم در اصل به معنای پرستش بشر است نه انسان‌دوستی یا تکریم بشر که مورد تأکید دین اسلام و سایر ادیان

۱. واژه humanism یا humanismus که امروزه به کار می‌رود، از واژه humanista برگرفته شده است.

2. Philosophy Positivism

توحیدی است (صانع‌پور، ۱۳۷۸: ۲۰-۲۲). ممکن است در منابع مختلف قرائت‌های مختلفی از دیدگاه پوزیتیویسم (اثبات‌گرایی)^۱ مطرح شده باشد. در مقاله حاضر پوزیتیویسم (اثبات‌گرایی) به معنای روش مطالعه و شناخت جهان صرفاً از طریق حس و تجربه است که در خدمت اندیشه اومانیستی است. به عبارت ساده‌تر ارتباط و همگرایی بین رویکرد پوزیتیویستی در معرفت‌شناختی با انکار مابعدالطبیعه، در نهایت با اندیشه اومانیستی پیوند می‌خورد و به عبارت ساده‌تر میوه مشترکی به نام نفی معنویت می‌دهد. لذا دو واژه اومانیسم^۲ با پوزیتیویسم^۳ بسان دو کارکرد مشترک و یکسان فلسفی بکار برده شده است که ریشه در افکار اگوست کنت دارد (فروغی، ۱۳۶۳: ۱۱۶).

۲-۴. مقولات بینش، گرایش، کنش

مباحث مربوط به ادراکات اعتباری از جهات فلسفی مبتنی بر سه طیف فعالیت است که شامل قوای مدرکه، شوقیه و عامله می‌شود.

مقوله بینشی (شناخت): شامل نگرش مبتنی بر جهان‌بینی و بینش اخلاقی انسان‌ها است. لذا طبق نوشتار حاضر مقوله بینشی شامل گزاره‌هایی است که صرفاً در حوزه نظر مبتنی بر اعتقادات، اندیشه‌ها و تفکرات مورد بررسی، امعان نظر و تحقیق قرار می‌گیرد. بینش یا بصیرت^۴ فهمی از خود، جهان پیرامون و روابط با دیگران است که تجربه‌های پیشین را روشن یا فرد را در حل مسئله‌ای یاری می‌کند (میرشکاری، ۱۳۸۸: ۳۳).

مقوله گرایشی (رغبت): شامل گرایش‌های عقلی، نوع سلايق، عاطفی و احساسی اخلاقی انسان‌ها است. بنابراین، شناخت صرف نمی‌تواند به رفتار منجر شود، چه بسا انسان می‌داند که رفتاری خوب و مفید است با آن که به آن علم دارد، ولی عکس آن عمل می‌کند. در وجود انسان گرایش به شر و خیر هست. اگر این گرایش‌ها نباشد، اختیار معنا بی‌معناست (جلالی، ۱۳۹۹: ۲۸).

1. Positivism
2. humanism
3. Philosophy Positivism
4. Insight

تفاوت الگوی انسان‌شناسی اسلامی با اومانیستی از منظر... ۶۳

مقوله کنشی (رفتار): یکی از موضوعات مهم و مورد بحث در روان‌شناسی، «رفتار»^۱ است. در مجموع فعال‌شدگی از یک مفهوم به مفهوم دیگر، از یک قضیه به قضیه دیگر و حتی از مشاهده یک شخص، یا صدا یا دیدن منظره منجر به بروز رفتار می‌شوند (گلمن، ۱۳۷۹: ۸۸).

نتیجه: حرکت اختیاری انسان مبتنی بر سه امر، آگاهی، میل و قدرت است. این مثلث زمینه را برای اختیار و سیر انسان فراهم می‌کند (ژان کلود، ۱۳۷۵: ۲۳). در هر موجود زنده دو ویژگی اساسی «حرکت ارادی» و «ادراک» وجود دارد. در انسان نیز به عنوان یک موجود زنده، این دو ویژگی به صورت عمیق‌تر، پیچیده‌تر و گسترده‌تر وجود دارد: که شامل دستگاه ادراک و دستگاه اراده است. در حوزه ادراک، شناخت و علم دخیل است که به «بینش» تعبیر می‌شود و در اراده رغبت، انگیزش و میل نقش دارد که به «گرایش» تعریف می‌شود. این دو عامل اساسی، یعنی «گرایش» و «بینش» زمینه پیدایش «کنش» یعنی رفتار می‌شود.

۲-۵. جایگاه ادراکات اعتباری در تفکیک انسان‌شناسی اسلامی از اومانیستی

از منظر صاحب‌نظران اسلامی معاصر دیدگاه ادراکات اعتباری دارای دو قرائت مهم و در عین حال دو کارکرد متفاوت است (ترکاشوند، ۱۳۹۸: ۲۱۹-۲۳۵). اهم موضوعات مربوط به **قرائت اول:** شامل موارد زیر است: مطلق ندانستن اخلاق، فطری ندانستن اصول اخلاقی، یکسان دانستن معیارهای اخلاقی، منفعت‌طلبی انسان و... از نظر برخی از صاحب‌نظران این قرائت، می‌تواند زمینه‌ساز نزدیکی و گفتگوی بین فرهنگ‌های مختلف باشد. (همو) در صدر موافقان این دیدگاه می‌توان از عبدالکریم سروش نام برد. به عنوان نمونه، سروش در سال ۱۳۵۸ در کتاب «دانش و ارزش» اخلاق علامه را از جهاتی مشابه اخلاق هابزی می‌داند (سروش، ۱۳۵۸: ۱۱۵). در **قرائت دوم:** در صف مخالفان برداشت نسبی از اخلاق طباطبایی می‌توان به استاد مطهری، رضا داوری، جعفر سبحانی و بسیاری از روحانیون قم اشاره کرد. داوری چند سال بعد در ۱۳۶۳ در مقاله‌ای به سروش یورش

1. behavior

می‌برد که «منکران متجدد اخلاق» نباید انحطاط غرب را در کپسول تعبیرات به مردم عرضه کنند: «... نظر (طباطبایی) با آنچه از اقوال پوپر و راسل معمولاً بدون ذکر مآخذ، و حتی گاهی همراه با قرآن بر سر نیزه، نقل شده است، مناسبتی ندارد» (جعفری، ۱۳۶۳: ۱۴۶). در بین صاحب‌نظران اسلامی مطرح‌ترین شخصیت استاد مطهری است که در نقطه مقابل دیدگاه اول رویکرد یکسانی با مسئله ادراکات اعتباری نداشته بلکه سه رویکرد: «همراهی»، «انتقادی» و «اصلاحی» داشته است (ترکاشوند، ۱۳۹۸: ۲۱۹-۲۳۵). در نگاه اصلاحی قرائت استاد مطهری از ادراکات اعتباری شامل موارد زیر است: فطری و مطلق دانستن اصول اخلاقی، تفکیک بین من علوی و من سفلی، تفکیک بین معیارهای اخلاقی و افعال اخلاقی و... (همو) با بررسی قرائت استاد مطهری به این نتیجه می‌رسیم که از ظرفیت‌های مهم ادراکات اعتباری امکان تمایز و تقابل بین دیدگاه اسلامی و اومانیستی در انسان‌شناسی وجود دارد.

۳. مقایسه الگوی انسان‌شناسی اسلامی با اومانیستی

در این قسمت تلاش می‌نماییم تا به تبیین تفاوت و تمایز مدل انسان‌شناسی اسلامی از مدل اومانیستی از منظر ادراکات اعتباری استاد مطهری بپردازیم. به منظور ساده‌سازی و فهم درست مطالب تلاش می‌نماییم مقولات را در سه ساحت بینشی (شناخت)، گرایشی (رغبت) و کنشی (رفتار) دسته‌بندی نماییم تا بتوانیم تقابل را در قسمت جمع‌بندی و نتیجه‌گیری به صورت نموداری نمایش دهیم. شایان ذکر است در زمان دسته‌بندی و مقوله‌بندی کردن مفاهیم احیاناً ممکن است همپوشانی مفهومی صورت گرفته باشد یا برخی از مفاهیم هم‌زمان بتواند تحت دو مقوله قرار گیرد، لذا تلاش شده است حتی‌المقدر از این مسئله پرهیز شود.

۳-۱. الگوی انسان‌شناسی اومانیستی

در قسمت زیر تلاش می‌نماییم به تبیین دیدگاه‌های اندیشه اومانیسم در زمینه انسان‌شناسی مبتنی بر مقوله‌های بینشی، گرایشی و کنشی بپردازیم. به منظور رعایت بی‌طرفی حتی‌المقدور تلاش نموده‌ایم این دیدگاه‌ها را از منابع مستقل و معتبر ارایه نماییم.

۳-۱-۱. مقوله بینشی (شناخت)

۳-۱-۱-۱. غیر دینی - غیر الهی

اومانیست‌ها مبتنی بر معرفت‌شناسی پوزیتیویستی، برخلاف تجربه‌گرایان گذشته نظیر لاک و هیوم که در موضوعات ماورای ادراک حسی، لادری^۱ بودند، معارف دینی و الهی را از حوزه پژوهش خارج کردند؛ گویی که هیچ شناخت و جهانی ماورای پدیده‌های مادی و محسوس واقعیت ندارد. به دلیل اینکه در انسان‌شناسی به دیدگاهی مطلقاً ماده‌گرایانه رسیدند و انسان را - که از نظر مجموعه ادیان الهی، عرفا و فلاسفه‌ی دنیا، موجودی در نهایت تفاوت از سایر جانداران بود - به شیء مادی تقلیل دادند که شیوه مطالعه آن با سایر عناصر شیمیایی و فیزیکی تفاوتی ندارد. اندیشمندان وین با استناد به اندیشه‌های ویتگنشتاین (۱۸۸۹-۱۹۵۱م) پا را فراتر از کانت گذاشته، با دیدگاهی نزدیک به هیوم، متافیزیک را مهمل و فاقد معنا^۲ نامیدند (Edwards, 1972: 557)، تاجایی که هیوم امور متافیزیک را احکام بی‌دلالت و سفسطه می‌شمرد (Hume, 2007: 22)، از دیدگاه پوزیتیویست‌ها مجموعه گزاره‌های متافیزیکی نظیر عرفان، اخلاق، دین، ادبیات، مباحث ایدئولوژیک، تاریخ و هنر، زیبایی‌شناسی بی‌معنا و غیر قابل اعتنا می‌باشند (Edwards, 1972: 56).

۳-۱-۲. استقراگرایی حسی

اصول مشترک اندیشه‌های پوزیتیویسم را می‌توان طبق موارد زیر خلاصه کرد: **تجربه‌گرایی**: شناخت استقرایی حسی، تنها راه شناخت معتبر از عالم خارج است. **تحقیق‌پذیری**: هر گزاره‌ای که با روش تجربی قابل تأیید، اثبات و یا ابطال نباشد، بی‌معنا و نادرست است. **وحدت علم**: روش مطالعه انسان و طبیعت یکسان است. **بی‌طرفی علم**: روش علمی، صرفاً حسی مبتنی بر روش تجربی و متکی بر اسناد بی‌طرف از ارزش‌های اجتماعی و اخلاقی می‌باشد (Edwards, 1972: 567).

1. Agnostic

2. Absurd

۳-۱-۱-۳. تجربه‌گرایی

پوزیتیویست‌های اومانیزم علم را به معنای علم محصول تجربه معرفی کرده‌اند (Hanson, 1958:19). گرچه پوزیتیویسم به عنوان مکتبی فلسفی، ریشه در افکار اگوست کنت دارد. ولی پیشینه این بحث را می‌توان به فرانسیس بیکن بازگرداند (جهانگیری، ۱۳۶۹:۷۶). بعد از فرانسیس بیکن، جان لاک (۱۷۰۶-۱۶۳۲م) به عنوان یکی از پیشگامان تجربه‌گرایی معتقد بود همه معرفت انسان از تجربه ناشی می‌شود (Edwards, 1972:502). دیوید هیوم (۱۷۷۶-۱۷۱۱م) از مروجان اندیشه‌های پوزیتیویستی بود. وی معتقد بود تنها داده‌های حسی و تجربه حسی بنیاد و سرچشمه هر گونه شناسایی است. هیوم مانند جان لاک معتقد بود که فعالیت‌های ذهن تنها در از هم گسیختن و پیوند زدن تصوراتی (تأثراتی)^۱ است که از تجربه حسی حاصل می‌شود. از نظر او همه حرکات اجسام و همه قوانین طبیعت بدون استثنا مبتنی بر تجربه شناخته می‌شود (Hume, 2007:14). هیوم بود که ایمانوئل کانت (۱۸۰۴-۱۷۲۴م) تحت تأثیرش متافیزیک را ناممکن شمرد (کانت، ۱۳۶۲:۲۲۰-۲۱۴). طبق این نظریه، احساس، تنها منشأ تصورات و افکار بشری شناخته شده و ذهن پس از دریافت صورت‌هایی از حواس، صرفاً تجرید^۲ ترکیب^۳ و تعمیم^۴ انجام می‌دهد و مجموعه این فرآیندها صرفاً حسی است (Hume, 2007:14).

۳-۱-۱-۴. نسبت‌گرایی در اخلاق

از نظر اومانیزم‌ها اعمال انسان از جهت ثبوت و تحقق نه دارای حسن‌اند و نه دارای قبیح (جوادی، ۱۳۸۳، ص ۴۳). از نظر پوزیتیویستم، انسان بجز شیء وابسته در یک سیاره سرگردان معلق در فضای بیکران نیست و اشرف مخلوقات و بی‌همتایی دانستن وی بی‌معناست. انسان در این اندیشه چون ذره‌ای معلق ناچیز در دنیای ذرات متحرک بیشتر نیست، لذا نظاره‌گری در حکم تابع و در حاشیه بی‌اهمیت نظام ریاضی وار بزرگ است که حرکاتش طبق اصول مکانیکی تفسیر می‌گردد (Hume, 2007:89-90). انسان موجودی

1. Affection
2. Abstraction
3. Synthesis
4. Generalization

تفاوت الگوی انسان‌شناسی اسلامی با اومانیسم از منظر... ۶۷

اعتبارساز است که زندگی‌اش بدون مفاهیم اعتباری نمی‌تواند ادامه پیدا کند، پوزیتیویست‌ها چون روش تجربی را تنها روش شناخت قوانین رفتار انسانی می‌شمردند، از این جهت انسان را با موجودات طبیعی یکی دانستند. به همین دلیل از نظر آنها بین رفتار آدمی و رفتار یک برگ هنگام وزش باد فرقی نیست (Edwards, 1946: 5).

۳-۱-۲. مقوله گرایی (و غبت)

۳-۱-۲-۱. ماده گرایی

اومانیست‌ها در انسان‌شناسی به دیدگاهی کاملاً مادی رسیدند (آرون، ۱۳۵۶: ۸۶-۸۵). آنها انسان را به یک شیء مادی تقلیل و تنزل دادند که روش مطالعه‌اش با عناصر شیمیایی و فیزیکی تفاوتی ندارد (Comte, 1983: 1-3).

۳-۱-۲-۲. سفلی گرایی

در دیدگاه اومانیست‌ها، انسان حقیقتی صرفاً مادی‌گرایانه دارد که رفتارهایش متناسب با غریزه حیوانی شکل می‌گیرد و سود و لذت مبنای رفتار عملی او است، لذا در این نگاه برای بقا باید ثروتمند شد تا رقیب را از صحنه حذف کرد؛ در غیر این صورت رقیب تو را حذف خواهد کرد. این امر به دلیل این است که در اندیشه پوزیتیویست‌ها انسان ذاتاً حیوانی، منفعت‌طلب و لذت‌جو است (وارنوک، ۱۳۸۰: ۶۵).

۳-۱-۲-۳. غریزه گرایی

از دیدگاه برخی از اومانیست‌ها استخدام هم‌نوع امر غریزی و متعلق به ساختمان ویژه انسان در جهت کسب منفعت غریزی می‌باشد. (سروش، ۱۳۷۰: ۲۶۴) دورکیم از جمله اندیشمندانی است که با این روش انسان را مطالعه و به این نتیجه رسیده است که انسان به عنوان پدیده‌ای اجتماعی باید به مثابه یک شیء^۱ مورد بررسی قرار گیرد؛ چون واقعاً یک شیء است (Durkhiem, 1982: 27).

۳-۱-۳. مقوله کنشی (رفتار)

۳-۱-۳-۱. منفعت‌طلبی

در دیدگاه اومانیزم، انسان حیوانی اقتصادی است که سود و لذت مبنای تکامل او در رقابت‌های اقتصادی است. از آنجا که تفاوت‌های بنیادین حیوان و انسان در این نظام فکری قابل تبیین نیست، قانون حاکم بر رفتار انسان همان است که داروین برای تبیین رفتار حیوانات در طبیعت بیان داشته است تحت عنوان قانون بقای انساب^۱ انتخاب طبیعی^۲ و تنازع بقای^۳ دائمی. این قاعده توسط اثبات‌گرایی چون اسپنسر (۱۹۰۳-۱۸۲۰م) به اجتماع انسانی تعمیم داده شد (Spencer, 1946:307).

۳-۱-۳-۲. عمل‌گرایی

منظور از عمل‌گرایی در اینجا، از جنس محرک و پاسخ است. طبق این دیدگاه انسان هیچ طراز، معیار و افق آرمان‌گرایانه‌ای ندارد. نگاه متدولوژیک اومانیزم براساس فرمول محرک - پاسخ، ماهیت انسان را مساوی با پاسخ به محرکات محیطی تعریف کرده و او را شخصیتی بدون معیار، به ماشینی کوچک شده توسط محیط بدل ساخته‌اند. انسانی که فاقد هیچ‌گونه معیاری از عقل، هوش، روح، احساس و غایت‌مندی است که همچون روایات هرگونه کوچک شود، کار می‌کند، دیگر آن انسانی نیست که انبیا و فلاسفه و عرفای بزرگ در طول تاریخ به ما معرفی کرده‌اند (Woodworth, 1961:100).

۳-۱-۳-۳. سود و لذت محوری

سود محوری غیر از منفعت‌طلبی است، منفعت‌طلبی به معنای تنازع بقا است و سود محوری به معنای تبدیل انسان به ابزار خلق ثروت است و پوزیتیویست‌ها انسان‌ها را ذاتاً موجودی لذت‌جو و سودجو می‌دانند (وارنوک، ۱۳۸۰: ۶۵). پیروان اومانیزم مبتنی بر تفکر پراگماتیستی، نتیجه عمل را لذت شخص فاعل یا سودمندی معنا می‌کنند. اگر عملی برای

1. Survival of the Fittest
2. Natural Selection
3. Struggle for Survival

تفاوت الگوی انسان‌شناسی اسلامی با اومانیستی از منظر... ۶۹

عامل، لذت آفرین یا سودمند بود، آن عمل خوب در غیر این صورت بد است (کاپلسون، ۱۳۶۸، ج ۱: ۴۶۷).

۳-۱-۳. جبرگرایی

تفکر جبرگرایانه پوزیتیویست‌ها به نوعی جبر ساختاری^۱ در جامعه منتهی می‌شود که انسان براساس آن عمل می‌کند (ایمان، ۱۳۸۸: ۸۳-۸۱). اندیشه پوزیتیویسم می‌کوشد با یک مدل مکانیکی به مطالعه انسان پردازد؛ در این مدل انسان چیزی فراتر از ماشینی بی‌جان^۲ نیست. دورکیم پیشنهاد می‌کند انسان به‌عنوان یک پدیده اجتماعی باید به‌منزله یک شیء^۳ مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد؛ چون واقعاً یک شیء است. (Durkhiem, 1982:27)

۳-۱-۴. نمودار الگوی انسان‌شناسی اومانیستی

با توجه به مجموعه مباحث مطرح شده در قسمت الگوشناسی انسان‌شناسی اومانیستی به‌منظور سهولت مخاطبان محترم در مجموع دیدگاه انسان‌شناسی اومانیستی در قالب نمودار زیر نمایش داده می‌شود.



نمودار شماره: ۱-۱

1. Structural Determinism
2. Exanimate
3. Object

۳-۲. الگوی انسان‌شناسی اسلامی

در این قسمت تلاش می‌نماییم، با توجه به قرائت استاد مطهری از ادراکات اعتباری به تبیین انسان‌شناسی اسلامی بپردازیم تا زمینه مقایسه بین انسان‌شناسی اسلامی از اومانستی فراهم شود.

۳-۲-۱. مقوله بینشی (شناخت)

۳-۲-۱-۱. دینی - الهی

از نظر جهان‌بینی الهی، عوامل دیگری که عوامل معنوی و روحی است همدوش عوامل مادی در کار سعادت، روزی و سلامت و امثال اینها موثرند. از دیدگاه جهان‌بینی اسلامی، عالم هستی تحت اراده الهی واحد زنده و باشعوری است، که در آن اعمال و افعال انسانی عکس‌العمل دارد، لذا خوبی و بدی در مقیاس جهان‌بی تفاوت و یکسان نیست (مطهری، ۱۳۹۵، ج ۳: ۳۵۰).

۳-۲-۱-۲. استقراگرایی حسی و عقلی

برخلاف دیدگاه پوزیتیویست‌ها که استقراء را یک امر صرفاً حسی می‌دانند، از نظر استاد مطهری کار ذهن پس از دریافت صورت‌هایی از حواس، که شامل ترکیب،^۱ تجرید^۲ و تعمیم^۳ می‌باشد، فعالیتی عقلانی است نه صرفاً حسی (همو، ج ۵: ۸۶). از نظر استاد مطهری فرآیند استنباط و ادراک حقایق مبتنی بر استقراء تماماً مادی و مبتنی بر محسوسات نیست بلکه در ابتدا در مرحله ادراک و آزمایش اولیه مبتنی بر محسوسات است لیکن در زمانی که حکم کلی صادر می‌شود و تعمیم صورت می‌گیرد کار ذهنی و عقل است، لذا استقراء یک امر صرفاً محسوس و مادی نیست بلکه در مرحله دخالت ذهن و تعمیم دهی کاملاً عقلانی است. از نظر شهید مطهری عدم دخالت عقل در استقراء به بی اعتباری و انکار تمامی علوم منجر می‌شود (همو، ۱۳۸۸: ۶۰).

1. Synthesis
2. Abstraction
3. Generalization

۳-۱-۲-۳. جامعیت‌نگری در شناخت (تجربی، عقلی و شهودی)

از نظر استاد مطهری از ابزارهای شناخت انسان حواس اوست و نخستین ارتباط ادراکی انسان با جهان اطراف از طریق حواس است و چنانچه از بدو تولد انسان فاقد یکی از حواس پنجگانه باشد، از مجموعه ادراکات خاص آن حس محروم است. «من فقد حساً فقد علماً» هر کس که فاقد یک نوع حس باشد، فاقد یک نوع شناخت است، لذا حواس از مهم‌ترین ابزارهای شناخت و برای نیل به معرفت، ضروری، لیکن کافی نیست (همو، ۱۳۷۷، ج ۳۵۶:۹-۳۶۰). از منظر استاد مطهری در تصورات اصالت با حس ولی در ناحیه تصدیقات، اصل با عقل و ادراک عقلی است (همو، ۱۳۹۵، ج ۷۱۱:۲۲). از همین منظر خطاهای انسان مربوط به حس نیست چون کلیه احکامی که حتی برای تصورات و مدرکات حسی و تجربی صادر می‌شود توسط عقل است (همو، ج ۲۲۶:۲۱). از نظر استاد از دیگر ابزارهای شناخت ابزار دل است، دل در اصطلاح عرفانی نه اصطلاح قرآنی، راه دل یعنی راه تزکیه نفس و قلب (همو، ج ۳۶۵:۱۳).

۳-۱-۲-۴. مطلق‌گرایی در اخلاق

از نظر استاد مطهری حتی اگر حُسن و قبح را اعتباری بدانیم باید بپذیریم که اعتباری ثابت و غیر متغیر است؛ به‌طور مثال با این که گاهی احساسات طبیعی علی‌رغم خواسته‌های طبیعی، انسان را به دروغ گفتن وامی‌دارد راست‌گویی را نیک می‌دانیم. از نظر مطهری در وجود انسان، من علوی مبتنی بر فطرت انسانی همواره و در همه انسان‌ها احساسات یکسانی را ایجاد می‌کند (همو: ۷۳۸). مطهری برداشت نسبی‌گرایانه از اخلاق را حداقل به طور ظاهر امری خودپرستانه و ماتریالیستی می‌داند (سروش، ۱۳۶۰: ۷۸).

۳-۲-۲. مقوله‌گرایی (رغبت)

۳-۲-۲-۱. ماده و معناگرایی

از دیدگاه اسلام، ماده و معنا همزمان مکمل وجود انسان و سعادت واقعی بشر در دنیا و آخرت توأمانند. آن چیزهایی که از نظر اخروی گناه محسوب می‌شود و سبب عقوبت

۷۲ «فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های معرفت‌شناختی»، شماره ۲۸، پاییز و زمستان ۱۴۰۳

اخروی می‌شود، از نظر دنیوی هم، نظام کلی زندگی بشر را فاسد می‌کند (مطهری، ۱۳۹۵، ج ۴: ۶۲۴-۶۲۸).

۳-۲-۲-۲. کمال‌گرایی

برخلاف دیدگاه اومانستی که انسان را یک موجود با گرایش‌های صرفاً حیوانی می‌داند استاد مطهری معتقد است هویت آدمی دولایه است، یعنی حقیقت وجودی انسان از دو من انسان تشکیل شده است، در این نگاه اعتبارهای متغیر به من سقّلی انسان که مبتنی بر غرایز و قوای طبیعی آدمی است مربوط می‌شود. دام‌های اعتبار متغیر برای نیل به مقاصد این طبیعت شخصی متغیر است؛ در حالیکه در انسان، قوایی موجود است که برخاسته از «من علوی» است و این قوا دستگاه ادراکی انسان را در راه رسیدن به مقاصد خاص خود که ثابت است، تحریک و به اعتبارسازی وامی‌دارد، لذا طبق این فرض هر فرد یک موجود دو لایه‌ای و دو درجه‌ای است در یک سطح حیوان است؛ نظیر همه حیوانات دیگر و در سطح دیگر دارای یک واقعیت علوی است. انسان من علوی را در وجود خودش اصیل‌تر احساس می‌کند (همو، ج ۱۳: ۷۳۸). به نظر استاد مطهری، ادراک من علوی در وجود انسان کاملاً آشکار است و این جوهر من علوی زمینه کرامت و شرافت ذاتی انسان است (همو، ۱۳۶۷: ۱۷۹).

۳-۲-۲-۳. غریزه و فطرت‌گرایی

استاد مطهری در اهمیت غریزه معتقد است، خداوند هیچ عضوی از بدن را بیهوده خلق نکرده و استعدادی را بی‌حکمت ایجاد نکرده است. همان‌طور که باید از تمام اعضای بدن مراقبت کرد، استعدادهای غریزی را نیز باید حفظ و غذای لازم به اندازه کافی برای شکوفایی آن را فراهم کرد. باید به رشد آنها کمک کرد (همو، ۱۳۶۸: ۵۱). از نظر شهید مطهری در مجود انسان علاوه بر غریزه، عنصر مهمی به نام فطرت نیز وجود دارد مطهری مفاهیم و اوصاف اخلاقی را منطوی و مندرج در گرایش‌های فطری درونی انسان می‌داند لذا انسان می‌تواند در زندگی خود، با تقویت نفس خود، ارزش‌ها و مفاهیم اخلاقی را درک کند (همو: ۱۲۷-۱۲۶).

۳-۲-۳. مقوله کنشی (رفتار)

۳-۲-۳-۱. منفعت‌طلبی در عین عدالت‌محوری

مطهری این برداشت را که معتقد به سرشت صرفاً منفعت‌طلبانه انسان در به وجود آمدن اضطراری عدالت را نقد می‌کند و ریشه آن را مبتنی بر بیان داروینیست‌ها از اصل تنازع بقا می‌داند؛ از نظر استاد، انسان در عین منفعت‌طلبی مبتنی بر نیازهای غریزی، ذاتاً موجودی عدالت‌طلب است و سرشت انسان با عدالت‌جویی و عدالت‌دوستی تنیده شده است. «انسان یک موجود دو طبیعتی است و شخصیت مزدوج دارد. نیمی از وجودش که فطری است او را به سوی عدالت و طرفداری و حمایت از عدالت می‌کشد و نیمی دیگر که مبتنی بر نیازهای غریزی است به طرف تعدی و تجاوز» (همو، ۱۳۷۷: ۲۳۲). استاد مطهری، عدالت مورد نظر راسل را خودخواهانه می‌نامد. از دیدگاه استاد مطهری، شرافت‌های اخلاقی انسان، صرفاً در مکتب الهی خداپرستی قابل توجیه و تأیید است (همو: ۱۳۴).

۳-۲-۳-۲. عمل‌گرایی در عین معیار‌محوری

از نظر استاد مطهری عمل‌گرایی مورد نیاز انسان از جنبه «مَنْ سَفَلَى» به منظور رفع نیازهای مادی است، لیکن رفتار عملی انسان نباید صرفاً مبتنی بر غرایز به صورت واکنش و عمل باشد بلکه با توجه به هویت «مَنْ عَلَوَى» رفتار انسان بایستی مبتنی بر معیارهای فطری صحیح باشد (مطهری، ۱۳۸۰: ۷۷۶-۷۷۷). تقلیل انسان در تفکر پوزیتیویستی به رفتارهای صرفاً عمل‌گرایانه محرک - پاسخ مشهود، مغالطه‌ای است که آن را مغالطه جزء و کل، یا کنه و وجه نامیده‌اند، و فیلسوف انگلیسی وایتهد آن را مغالطه واقعیت نابجا^۱ نام‌گذاری کرده است (سروش، ۱۳۶۱: ۴۰). استاد مطهری معتقد است معیارهای اخلاقی همیشه مطلق و ثابت‌اند و در مقابل افعال اخلاقی در جوامع گوناگون در زمان‌ها و شرایط مختلف، جایگاه متفاوتی پیدا می‌کند. از نگاه استاد نباید مطلق بودن اخلاق را با مطلق بودن افعال اخلاقی اشتباه گرفت؛ یعنی یک فعل را نمی‌توان همواره صحیح یا ضد اخلاق دانست و غالباً این اسباب اشتباه افراد شده که خیال می‌کنند لازمه اخلاق مطلق و ثابت این است که

1. Fallacy of Misplaced Concreteness

افعال را از اول دسته‌بندی کنیم، این که رفتار مطلق یا نسبی است، غیر از این است که اخلاق نسبی است یا مطلق (مطهری، ۱۳۸۰: ۷۷۶-۷۷۷).

۳-۲-۳. سود و لذت‌طلبی در عین آرمان‌محوری

شهید مطهری انسان را از جهت هویت «مَنْ سِغْلِي» موجودی غریزی به دنبال سود و لذت طلب می‌داند و از جنبه «مَنْ عَلَوِي» مبتنی بر فطرت آرمان‌گرا می‌داند. استاد مطهری برای حل این مسئله به تفکیک بین حسن و قبح فعلی و فاعلی می‌پردازد از نظر استاد مطهری حُسن و قُبْح بر دو گونه است: فعلی و فاعلی. هر عملی دو بُعد و دو جنبه دارد و هریک از دو جنبه از نظر بدی و خوبی حسابی متفاوت دارد. این امکان وجود دارد که عملی از یک بُعد نیک و از بُعد دیگر شر باشد. عکس آن نیز امکان دارد. و نیز امکان دارد عملی از لحاظ هر دو بُعد بد یا نیک باشد (همو، ۱۳۶۲: ۲۷۱). حُسن و قُبْح فعلی، یا خوب و بد بودن اعمال، از بُعد اول بستگی به اثر خارجی عمل دارد؛ و حُسن و قُبْح فاعلی یا خوب و بد از نظر بُعد دوم بستگی به کیفیت صدور آن از فاعل دارد. در نگاه اول، قضاوت انسان درباره عملی از نظر نتیجه اجتماعی و خارجی آن است؛ و در نگاه دوم، قضاوت انسان از نظر تأثیر روانی عمل در شخص فاعل است (همو: ۲۷۲). از دیدگاه استاد حُسن فعلی برای اجر و پاداش اخروی عمل کفایت نمی‌کند، حُسن فاعلی نیز لازم است؛ [یعنی صرفاً صورت ظاهری عملی نشانه درستی آن عمل نیست بلکه نیت متعالی و آرمانی هم لازم است برای درستی عمل] حُسن فاعلی به منزله روح و حیات و حُسن فعلی به منزله تن است (همو: ۲۸۳). از دیدگاه اسلام، عمل زمانی خیر محسوب می‌شود که از دو منظر حُسن داشته باشد: حُسن فاعلی و حُسن فعلی [یعنی هم نیت آرمانی متعالی فاعل، هم از صورت ظاهری عمل] «(همو: ۳۱۸).

۳-۲-۴. اختیارگرایی در عین آزادی‌محوری

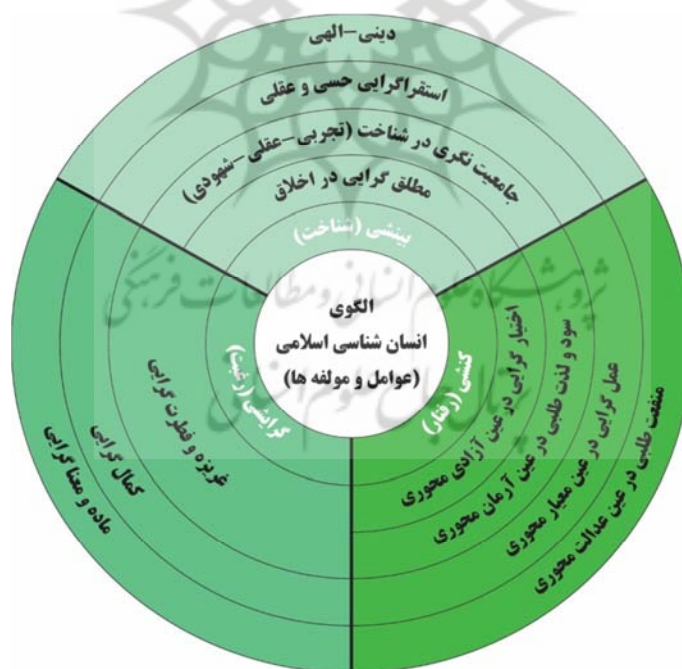
از نظر شهید مطهری انسان از جهت جنبه «مَنْ سِغْلِي» تحت تأثیر کشش غرائز قرار دارد، لیکن از جنبه «مَنْ عَلَوِي» مبتنی بر فطرت دارای قوه اختیار عمل است. از نظر استاد

تفاوت الگوی انسان‌شناسی اسلامی با اومانیستی از منظر... ۷۵

مطهری، بر خلاف دیدگاه اومانیستی انسان در اعمال خویش کاملاً مجبور نیست بلکه در جهان‌بینی الهی، سیر تکاملی انسان از جسم مادی آغاز و به سوی انسانیت کمال می‌یابد. سعادت و کمال برای انسان امری فطری محسوب نمی‌شود، بلکه نیل به سعادت و کمال به واسطهٔ افعال ارادی انسان امکان‌پذیر و مسئولیت از پیامدهای آزادی اراده است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که انسان مختار و انتخاب‌گر است و به همین دلیل انسان واجد اراده و عقل است (همو، ۱۳۹۵، ج ۲۱: ۳۲۶). از نظر استاد مطهری معنویت اسلامی اساسی‌ترین راهی است که اسلام به عنوان پشتوانهٔ اجرای عدالت در جامعه در برابر اختیار انسان ارائه می‌کند (همو، ۱۳۷۸: ۱۵۹).

۳-۲-۴. نمودار الگوی انسان‌شناسی اسلامی

با توجه به مجموعه مباحث مطرح شده در قسمت الگوشناسی انسان‌شناسی اسلامی، به‌منظور سهولت مجموع دیدگاه انسان‌شناسی اسلامی در قالب نمودار زیر نمایش داده می‌شود.



نمودار شماره: ۲-۱

۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

۴-۱. جمع‌بندی

در نوشتار حاضر به منظور سهولت مطالعه مخاطبان تلاش نموده‌ایم مابه‌الافتراق‌های این دو دیدگاه را در قالب نمودارهای زیر نمایش دهیم، ارزش و اهمیت این موضوع زمانی آشکار می‌شود که امتداددهی به این موضوع در حوزه علوم انسانی به صاحب‌نظران اسلامی این امکان را می‌دهد که بتوانند به فهم بهتری از تفاوت علوم انسانی اسلامی از علوم انسانی اومانیستی دست‌یابند. مهم‌ترین تفاوت‌ها شامل موارد زیر است:

۱- در مقوله بینشی (شناخت):

الف: طبق انسان‌شناسی اومانیستی وجود جهان و انسان غیر الهی است (Edwards, 1972:557)، در مقابل در انسان‌شناسی اسلامی انکار حقایق ماورای ماده و انکار حقیقت معنوی انسان و محدود ساختن جهان به محسوسات، به انکار هستی و سفسطه^۱ منجر می‌شود (طباطبایی، ۱۳۹۷: ۱۸).

ب: طبق انسان‌شناسی اومانیستی استقراء گرای حسی تنها ابزار شناخت است (Edwards, 1972:562)، در مقابل در انسان‌شناسی اسلامی استقراء یک امر صرفاً حسی نیست، بلکه ترکیب^۲، تجرید^۳ و تعمیم^۴، فعالیت عقلانی است نه صرفاً حسی (مطهری، ۱۳۹۵، ج ۵: ۸۶).

ج: طبق انسان‌شناسی اومانیستی، شناخت تک بعدی و صرفاً حسی است (Hanson, 1957:9). در مقابل در انسان‌شناسی اسلامی شناخت دارای مراتب و شناخت کامل مبتنی بر حس، عقل و تزکیه نفس توأمان است (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۹: ۳۵۶ تا ۳۶۰).

د: طبق انسان‌شناسی اومانیستی اخلاق نسبی است (Hume, 2007:89-90)، در انسان‌شناسی اسلامی برداشت نسبیّت گرایانه از اخلاق باطل، غیر واقع بینانه، خودپرستانه و ماتریالیستی است (سروش، ۱۳۶۰: ۷۸).

1. Sophistry
2. Synthesis
3. Abstraction
4. Generalization

۲- در مقوله گرایشی (رغبت)

الف: طبق انسان‌شناسی اومانیستی انسان موجودی صرفاً مادی است (Comte, 1983: 1-3). در مقابل در انسان‌شناسی اسلامی وجود انسان ترکیبی دولایه از وجودی مادی و معنوی است و سعادت واقعی بشر در دنیا و در آخرت توأم اند (مطهری، ۱۳۹۵، ج ۴: ۶۲۴-۶۲۸).
ب: برخلاف دیدگاه اومانیستی که انسان را تک بعدی و صرفاً حیوانی می‌داند. (وارنوگ، ۱۳۸۰: ۶۵) در مقابل استاد مطهری معتقد است هویت آدمی دولایه است، یعنی دو من در وجود انسان، وجود دارد. من سفلی حیوانی و من علوی معنوی (مطهری، ۱۳۶۷: ۱۷۹).
ج: طبق انسان‌شناسی اومانیستی انسان حیوانی صرفاً دارای کارکرد غریزی و واقعاً یک شیء است (Durkhiem, 1982: 27). در مقابل در انسان‌شناسی اسلامی علاوه بر غریزه، عنصر مهمی به نام فطرت با نگاه تکلیف و مسئولیت متقابل بین انسان‌ها، در برابر طبیعت و خداوند نیز وجود دارد (مطهری، ۱۳۹۵: ۱۲۷-۱۲۶).

۳- مقوله کنشی (رفتار)

الف: انحصارگرایی متدولوژیک پوزیتیویست‌ها، آدمی را به یک حیوان تمام عیار منفعت طلب تبدیل می‌کند (Spencer, 1946: 307). نظریه توماس هابز مبنی بر اینکه «انسان گرگ انسان است» (عالم، ۱۳۸۳: ۲۴۰)، براساس چنین منطقی تولید شده است. طبق این منطق روح از ماهیت وجود انسان حذف و انسان به حیوانی سطله جو تبدیل می‌گردد (Woodworth, 1961: 100). در مقابل در انسان‌شناسی اسلامی علاوه بر وجه منفعت‌طلبی، انسان موجودی عدالت طلب نیز هست. و سرشت او با عدالت‌جویی تنیده شده است (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۶: ۲۳۲).

ب: در منطق اومانیستی، فراتر از معیارهای غریزی، انسان فاقد هیچ گونه معیاری از غایت‌مندی است (Woodworth, 1961: 100). در مقابل در انسان‌شناسی اسلامی رفتار انسان نباید صرفاً مبتنی بر غرایز باشد بلکه با توجه به حقیقت فطری و هویت من علوی انسان معیارها تعریف می‌شود (سروش، ۱۳۶۱: ۴۰).

ج: در منطق اومانیستی ارزش‌های انسانی و اخلاقی مبتنی بر تولید سود است. (دورانت، ۱۳۷۶: ۲۰۸-۲۰۷). از نظر ویل دورانت تربیت ناشی از روش‌های علمی پوزیتیویستی از

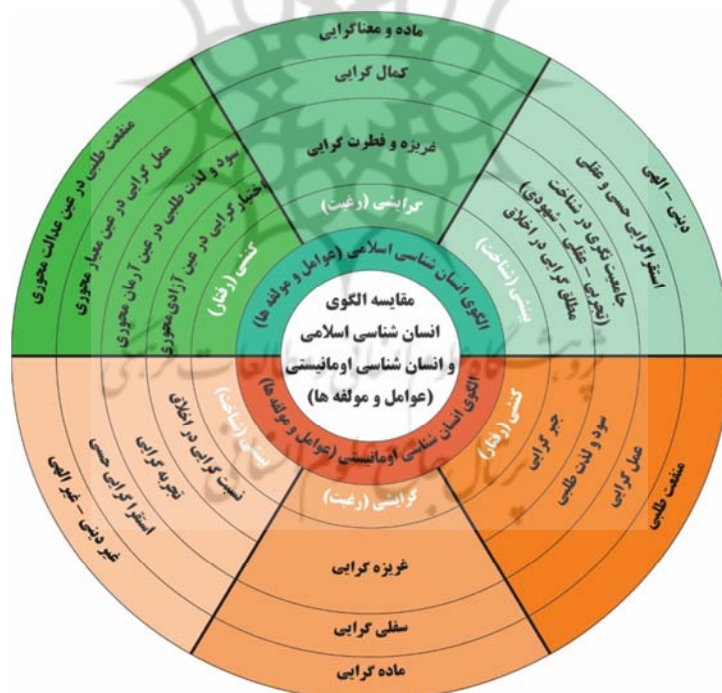
۷۸. فصلنامه علمی پژوهشی پژوهشهای معرفت‌شناختی، شماره ۲۸، پاییز و زمستان ۱۴۰۳

انسان محصولی جز ابزار به دست نخواهد داد و شخص را از زیبایی بیگانه و از حکمت جدا می‌سازد (دورانت، ۱۳۷۶: ۲۰۸-۲۰۷). در مقابل از نظر دین اسلام انسان سود و لذت را در خدمت آرمان‌های فطری الهی می‌خواهد (مطهری، ۱۳۶۲: ۲۷۱).

۵: براساس مدل پوزیتیویسم، رابطه محیط با رفتار انسان مانند رابطه علت با معلول است، لذا آزادی و اختیار اراده برای انسان معنا ندارد. متدولوژیک پوزیتیویست‌ها منتهی به نوعی جبر ساختاری^۱ در جامعه می‌شود که انسان براساس آن رفتار می‌کند (ایمان، ۱۳۸۸: ۸۳-۸۱) در مقابل از نظر اسلام اختیار امری فطری و لازمه عمل و تعالی انسان است (مطهری، ۱۳۷۸: ۱۵۹).

۴-۲. نمودار جامع الگوی انسان‌شناسی اسلامی

در قسمت زیر تلاش می‌نماییم در قالب نمودار جامع، تقابل بین انسان‌شناسی اسلامی و اومانستی را ارایه دهیم.



نمودار شماره: ۳-۱

۴-۳. نتیجه‌گیری

از مجموع مطالبی که در قسمت‌های پیشین تدوین و ارائه گردید به این نتیجه می‌رسیم که انسان‌شناسی مبتنی بر اندیشه اومانیسم با نگرش صرفاً مادی به وجود انسان و تک بعدی نگری حقیقت معنوی انسان را انکار و خدا را از زندگی بشر حذف می‌کند و نگاه صرفاً تجربی به عالم هستی دارد. لذا تبعات انسان‌شناسی اومانیستی شامل موارد زیر است: **از منظر بینشی:** ترسیم‌کننده انسانی تک‌بعدی و تک‌ساحتی غیر معنوی‌ای است که دچار یک‌سونگری در معرفت‌شناسی با انکار نقش عقل و غیره در شناخت شده و اخلاق نسبت‌گرایانه دارد. **از منظر گرایشی:** تقلیل‌دهنده مقام و جایگاه انسان به موجود صرفاً مادی است که با نگاه پراگماتیستی حد اعلای انگیزه و آرمانش را غریزه حیوانی آن هم فقط در عالم ماده تعیین و ترسیم می‌کند. **از منظر کنشی:** تقلیل‌دهنده مقام انسان به ماشینی اقتصادی منفعت‌گرا و مسلوب‌الاراده است، که نهایت تکلیف و مسئولیتش کسب سود و لذت است. در مقابل دیدگاه انسان‌شناسی اومانیستی، از منظر قرائت استاد مطهری از ادراکات اعتباری به این نتیجه می‌رسیم که مزایا و طراز انسان‌شناسی اسلامی شامل موارد زیر است: **از منظر بینشی:** ترسیم‌کننده جایگاه انسان به عنوان مرکز و کانون جهان آفرینش است که در عرفان اسلامی مظهر صفات و اسماء الهی محسوب می‌شود و شرط تعالی و تکامل چنین موجودی توجه به مجموعه ساحت‌های مادی و معنوی انسان با قابلیت استفاده از مجموعه ابزارهای شناخت نظیر حس و تجربه، عقل، تذکیه و شهود باطن است. **از منظر گرایشی:** انسان موجود دو لایه‌ای است، دارای دو ساحت توأمان مادی و معنوی است که علاوه بر عنصری به نام غریزه دارای حقیقتی به نام فطرت می‌باشد، در انسان‌شناسی اسلامی مبتنی بر فطرت، انسان در جهان هستی موجودی کمال‌گرا و آرمان‌گرا دارای کرامت الهی است. **از منظر کنشی:** انسان در اندیشه اسلامی موجودی مختار و آزاد به شمار می‌رود که فرهنگ خویش را می‌سازد و سرنوشت خویش را انتخاب می‌کند (کهف، ۲۹؛ انسان، ۳). طبق این دیدگاه مبتنی بر کرامت و شرافت ذاتی الهی معیارهای رفتار انسان با رویکرد عدالت و اخلاق معنا می‌یابد و انسان در کنار تلاش در جهت تأمین منافع مادی مبتنی بر غرایز، ملتزم و متعهد به سعادت خویش ضمن رعایت عدالت،

مسئولیت و تکلیف در برابر سعادت و سرنوشت هم نوعان و دیگر موجودات عالم است. با توجه به مباحث و مستندات ارائه شده در این نوشتار که برای اولین مرتبه (در قالب نمودارهای: ۲-۱، ۳-۱ و ۴-۱)، به تفکیک دقیق بین انسان‌شناسی اسلامی و اومانیستی می‌پردازد، به این نتیجه می‌رسیم که دیدگاه‌های اومانیستی در زمینه انسان‌شناسی پاسخ‌گوی نیازهای علوم انسانی اسلامی نیست چرا که دچار ضعف‌هایی نظیر: بحران معرفت‌شناسی، نگاه تک بعدی به ساحت‌های وجودی انسان، جبرگرایی، نسبی‌گرایی در اخلاقی و غیره است. لذا بر اندیشمندان اسلامی فرض است به منظور بازتعریف علوم انسانی اسلامی مبتنی بر مباحث و مستندات ارائه شده در این نوشتار نقش، جایگاه و طراز انسان در عالم هستی در برابر انسان‌شناسی اومانیستی را تبیین نمایند، سپس با استفاده از مجموعه روش‌های تحقیق جامع تجربی، عقلانی و وحیانی متناسب با منظومه‌های ارزشی - اعتقادی اسلامی برای بازتعریف علوم انسانی اسلامی در طراز تمدن نوین اسلامی تلاش نمایند. امید است نوشتار حاضر در این رابطه راهکشا باشد.

منابع

- ایمان، محمدتقی. (۱۳۸۸). *مبانی پارادایمی روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم انسانی*. تهران، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- آرون، ریمون. (۱۳۵۶). *مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی*. ترجمه باقر پرهام، تهران، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- ژان کلود، برنگیه. (۱۳۷۵). *گفتوگوهای آزاد با ژان پیاژه*. ترجمه دکتر محمدمنصور و دکتر پریرخ دادستان، چاپ دوم، تهران، مؤسسه پژوهشی ابن سینا.
- براون، کالین. (۱۳۸۴). *فلسفه و ایمان مسیحی*. ترجمه کاطه‌دوس میکائیلیان، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- ترکاشوند، علی اصغر. (۱۳۹۸). *نقد استاد مطهری بر نسبیت‌گرایی در اخلاق از منظر ادراکات اعتباری*. تهران، دوفصلنامه پژوهش‌های معرفت‌شناختی، پاییز و زمستان.
- جعفری ولنی، علی اصغر. (۱۳۹۴). *استاد مطهری و ادراکات اعتباری علامه طباطبائی*. تهران، اندیشه علامه طباطبائی سال دوم بهار و تابستان، شماره ۲.
- جلالی، حسین. (۱۳۸۰). *درآمدی بر بحث «بینش»، «گرایش»، «کنش» و آثار متقابل آن‌ها*. تهران، مجله معرفت، شماره ۵۰.
- جوادی، محسن. (۱۳۸۳). *توجیه جاودانگی اصول اخلاقی بر مبنای نظریه اعتباریات از دیدگاه شهید مطهری*. تهران، فصلنامه قبسات، شماره ۳۰ و ۳۱.
- جهانگیری، محسن. (۱۳۶۹). *شرح احوال و آثار فرانسیس بیکن*. تهران، علمی و فرهنگی.
- دورانت، ویل. (۱۳۷۶). *لذات فلسفه*. تهران، علمی و فرهنگی.
- همو. (۱۳۶۰). *یادنامه شهید مطهری*، (ج ۱-۲). زیر نظر عبدالکریم سروش، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- صانع‌پور، مریم. (۱۳۷۸). *نقدی بر معرفت‌شناسی اومانیستی*. تهران، مؤسسه فرهنگ و اندیشه معاصر.
- طباطبائی (علامه) سید محمدحسین. (۱۳۶۳). *المیزان فی تفسیر القرآن*، (ج ۱-۸). تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه.

۸۲ دو فصلنامه علمی پژوهشی پژوهشهای معرفت‌شناختی، شماره ۲۸، پاییز و زمستان ۱۴۰۳

- همو. (۱۳۹۱). *نظریه خداشناسی و دین فطری از دیدگاه علامه طباطبائی*. آینه معرفت، زمستان.
- غفوری‌نژاد، محمد. (۱۳۸۹). *تطور تاریخی نظریه فطرت در فلسفه و عرفان اسلامی*. پایان‌نامه دوره دکتری فلسفه و حکمت اسلامی، به راهنمایی احمد بهشتی و احد فرامرز قراملکی، دانشکده الهیات دانشگاه تهران.
- قنبری، آیت. (۱۳۸۳). *نقدی بر لیبرالیسم و اومانیسم*. قم، انتشارات فرااندیشه.
- کاپلسون، فردریک. (۱۳۶۸). *تاریخ فلسفه غرب*، جلد ۱. ترجمه سیدجلال الدین مجتبوی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- کانت، ایمانوئل. (۱۳۶۲). *تمهیدات*. ترجمه غلامعلی حداد عادل، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- گلמן، دانیل. (۱۳۷۹). *هوش عاطفی و نقش حیاتی آن*. ترجمه حمیدرضا بلوچ، تهران، انتشارات جیحون.
- لوین، پروفیسور. (۱۳۷۰). *جمعی از نویسندگان، فلسفه یا پژوهش حقیقت*. ترجمه جلال‌الدین مجتبوی، تهران، انتشارات حکمت.
- لاک، جان. (۱۳۳۹). *تحقیق در فهم بشر*. ترجمه صادق رضازاده، تهران، دانشگاه تهران.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۶۴). *اصول فلسفه و روش رئالیسم*، جلد ۲. تهران، انتشارات صدرا.
- همو. (۱۳۶۷). *فلسفه اخلاق*. تهران، انتشارات صدرا.
- همو. (۱۳۸۸). *مسأله شناخت از دیدگاه قرآن*. تهران، انتشارات صدرا.
- همو. (۱۳۹۵). *مجموعه آثار استاد مطهری*، (ج ۱-۲۲). تهران، انتشارات صدرا.
- میرشکاری، جواد. (۱۳۸۸). *دفتر سیزدهم. فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان*. تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- نقیب‌زاده جلالی، میرعبدالحسین. (۱۳۹۱). *فلسفه کانت بیداری از خواب دگماتیسم بر زمینه سیر فلسفه دوران نو*. تهران، انتشارات آگه.
- وارنوک، مری. (۱۳۸۰). *فلسفه اخلاق در قرن بیستم*، ترجمه ابوالقاسم فنایی، قم: بوستان کتاب.
- Edwards, Paul. (1972), *The Encyclopedia of Philosophy*. New York Macmillan.
- Hume, David. (2007), *An Enquiry concerning Human Understanding & other writings*, Cambridge. Cambridge University press.
- Hanson, Norwood Russell. (1958), *Pattern of Discovery*, Cambridge. Cambridge University press.

تفاوت الگوی انسان‌شناسی اسلامی با اومانیستی از منظر... ۸۳

- Comte, August. (1983), *The Positive Philosophy*, trans. Martineau, Harriet, London: Trubner.
- Durkhiem, Emile. (1982), *The Rule of Sociological Method*, trans. W.D Hails, edited by Steven Lukes, New York: free press.
- Spenser, Herbert. (1946), *First Principles*, London. C.A.Watts and Co.
- Woodworth, Robert. (1961), S, *Contemporary Schools of Psychology*, London. Asian Publishing House.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی